

آیا شما با هدف‌های تعلیم و تربیت آشنایی دارید؟

دکتر احمد به‌پژوه
استاد روان‌شناسی
دانشگاه تهران



بخش نخست

در بخش اول این مقاله، پس از طرح چند سؤال و بیان مقدمه‌ای با عنوان از کجا باید آغاز کرد؟ به تعریف تعلیم و تربیت پرداخته و آنگاه دو هدف غایی تعلیم و تربیت معرفی شده است. گفتنی است که بخش دوم این مقاله در شماره بعدی انتشار خواهد یافت.

چند سؤال

- ۱- آیا شما به عنوان پدر یا مادر با هدف‌های تعلیم و تربیت آشنایی دارید؟
- ۲- آیا شما به عنوان پدر یا مادر، به فراهم کردن امکانات رشد و شکوفایی همه‌جانبه توان‌های بالقوه فرزندان توجه دارید؟
- ۳- آیا شما به عنوان پدر یا مادر، توانسته‌اید به نیازهای همه‌جانبه فرزندان پاسخ مناسب دهید؟

از کجا باید آغاز کرد؟

بی‌شک خانواده، به‌عنوان نهادی مقدس و بی‌بدیل، نخستین، مهم‌ترین و اصلی‌ترین پرورشگاه و آموزشگاه فرد محسوب می‌شود و یکی از نهادهای آموزشی و پرورشی عمده جامعه است. بنابراین بیان هر گونه سخن و اندیشه‌ای درباره تربیت کودکان و نوجوانان و داشتن هر گونه انتظاری از آنان بی‌توجه به نقش حیاتی خانواده، سخن و اندیشه‌ای نادرست قلمداد می‌شود و انتظاری عبث و بی‌بهره است (به‌پژوه، ۱۳۹۷). در تعلیم و تربیت فرزندان سؤال‌های مهمی مطرح هستند (مانند سؤال‌های مطرح‌شده) که همه ما پدران و مادران، معلمان و مربیان باید صمیمانه و صادقانه به آنها بیندیشیم و پاسخ مناسب بدهیم.

بدون تردید، اساس یک جامعه سالم را خانواده‌های سالم می‌سازد. هر فردی در خانواده‌ای به دنیا می‌آید، بزرگ می‌شود و تکامل می‌یابد. این خانواده سالم است که انسان سالم پرورش می‌دهد. خانواده سالم، خانواده‌ای است که به نیازهای همه‌جانبه اعضای خود در گستره حیات توجه دارد و سعی می‌کند به انتظارات و نیازهای آنان به شیوه‌های درست پاسخ دهد. خانواده سالم، خانواده‌ای است که در اندیشه پرورش انسان‌های

رشد است و انسان‌های رشید، کسانی هستند که به رشد همه‌جانبه نائل شده‌اند. بدیهی است برای نائل شدن به رشد همه‌جانبه، توجه به نیازهای همه‌جانبه و آموزش همه‌جانبه ضروری است. بی‌دلیل نیست که اکثر روان‌شناسان، مشاوران و متخصصان تعلیم و تربیت در فرایند مطالعه ناهنجاری‌های رفتاری و عاطفی کودکان، ریشه رفتارهای ناهنجار را در گذشته فرد، یعنی در دوران کودکی و در بستر خانواده جستجو می‌کنند. زمانی که با ناهنجاری‌های رفتاری و عاطفی، مانند لجبازی، شبادراری، ناخن جویدن، پر خاشگری، دزدی و دروغ‌گویی کودکان روبه‌رو می‌شویم

و قدم به قدم به عقب باز می‌گردیم و شرایط رشد کودک را از بدو انعقاد نطفه، دوران بارداری مادر و دوران شیرخوارگی تا زمان حاضر مورد مطالعه قرار می‌دهیم، ملاحظه می‌شود که این‌گونه رفتارها در اکثر موارد معلول

هستند، نه علت. بی‌شک علت‌ها را در درجه نخست در خانواده و در رابطه با مثلث مقدس پدر و مادر و فرزند و در قدم بعدی در مدرسه و در رابطه با معلمان و مربیان و سپس در عرصه جامعه باید مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

کودکان پیش از ورود به دبستان، بر اثر آموزش و پرورش غیررسمی و با استفاده از قدرت یادگیری، تقلید و الگوبرداری، رفتارها و مهارت‌های گوناگون را در خانواده یاد





فرد است و هنر که باید آن را کسب کرد، باید مطالعه کرد و با مطالعه و مشورت بر دانایی‌های خود افزود. در این ارتباط، خداوند می‌فرماید: بگو آیا کسانی که می‌دانند (اهل علم) و کسانی که نمی‌دانند (نادانان) یکسان هستند؟ تنها خردمندان متذکر این موضوع هستند (قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون، آت‌ما یذکر اولوالالباب، سوره الزمر، آیه ۹). همچنین حکیم ناصر خسرو به بیان دیگری این موضوع را در شعر زیر مطرح کرده است:

درخت توگر بار دانش بگیرد
به زیر آوری چرخ نیلوفری را

هدف‌های تعلیم و تربیت کدام است؟

هدف چیست؟ هدف، نقطه، موقعیت و محصول مطلوب و مورد انتظاری است که می‌خواهیم به آن دست یابیم و به آن نائل شویم. در این ارتباط امام جعفر صادق (ع) فرموده است «کسی که بدون بصیرت، اقدام به عملی کند، مانند پوینده‌ای است که به بی‌راهه می‌رود، هر قدر سریع‌تر حرکت کند، از هدف دورتر می‌شود (العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق لایزیدُهُ سُرْعُهُ السَّبرُ الْاَبْعَادُ، اصول کافی، جلد اول، ص ۵۴). ماهیت هدف چیست؟ هدف، ماهیتی پویا و آینده‌نگر دارد و در جهان هستی، هر حرکتی و هر اقدامی هدفمند است. لذا در هر فعالیتی، هدف‌شناسی و هدف‌گرایی مهم‌ترین مرحله محسوب می‌شود. در غیر این صورت، گمراهی و ابهام و سردرگمی به بار خواهد آمد و پدر و مادر بی‌هدف و خانواده بی‌هدف، همچون کشتی سرگردان است. از این رو، به نظر می‌رسد نهاد مقدس خانواده نقش اساسی را به عهده دارد و سعادت انسان وابسته به سلامت و هدفمندی خانواده است. گاهی ملاحظه می‌شود برخی از پدران و مادران هدف‌های تعلیم و تربیت را به خوبی نمی‌دانند و به طور

فرزندی در دوره پیش دبستانی و دبستانی دارند بیشتر به حمایت‌های آموزشی، اجتماعی و اقتصادی نیاز دارند و باید بیشتر در برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی، پرورشی و توان بخشی فرزندانشان مشارکت داده شوند. باور ما این است که چنانچه پدران، مادران، معلمان و مربیان در گستره حیات و در چرخه رشد برداشت درستی از تعلیم و تربیت داشته باشند و با هدف‌های تعلیم و تربیت آشنا شوند، به طور قطع در ایفای نقش‌ها و مسئولیت‌های خود بیش از پیش موفق‌تر و توانمندتر خواهند بود. به دیگر سخن، باور ما این است که: توانایی، در دانایی است.

تعلیم و تربیت چیست؟

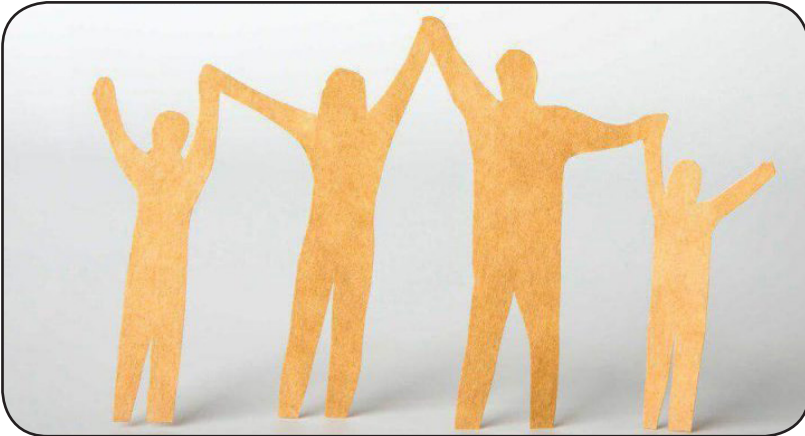
یکی از وادی‌های شناخت که ضرورت دارد هر پدر و مادری وارد آن شود و به طور نسبی از آن بهره لازم را به دست آورد، توجه به نقش و جایگاه تعلیم و تربیت و کسب شناخت لازم درباره تعریف تعلیم و تربیت است. به نظر اینجانب تعلیم و تربیت عبارت است از مجموعه تلاش‌ها، فرصت‌ها، امکانات، اقدامات و برنامه‌ها، از بدو انعقاد نطفه تا واپسین دم حیات به طور رسمی و غیررسمی به منظور رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوه فرد به طور همه‌جانبه تا رسیدن به حداکثر ظرفیت (کمال) (به‌پژوه، ۱۳۹۷). این تعریف، تعریف‌های ضمنی دیگری نیز به دنبال دارد: تعلیم و تربیت، یک تلاش و یک اقدام واحد نیست، بلکه مجموعه‌ای است از تلاش‌ها و فرصت‌ها؛ مجموعه تلاش‌هایی است با برنامه، آگاهانه و عالمانه. تعلیم و تربیت، تلاشی کورکورانه و تصادفی نیست. تعلیم و تربیت، تلاشی از نوع آزمون و خطا نیست، این‌طور نیست که ما بتوانیم با آزمون و خطا به جایی برسیم. تعلیم و تربیت، مجموعه‌ای از اقدامات و تلاش‌های حساب‌شده و سنجیده است. تعلیم و تربیت، مستلزم نقشه و برنامه است. تعلیم و تربیت، علم است و

می‌گیرند و به کار می‌بندند. از این رو، شایسته است پیش از ورود آنان به مدرسه، رفتارها و مهارت‌های مورد نظر را با برنامه‌ریزی و از طریق آموزش و پرورش مناسب و سازمان یافته، به تدریج، آگاهانه و با شکیبایی به آنها آموخت. از این رو، از نظر متخصصان آموزش و پرورش، آموزش مادران و پدران در دوره پیش از دبستان و ارتقای سطح آگاهی آنان به عنوان یک راهبرد پیشگیری همواره از اهمیت خاصی برخوردار است. آموزش خانواده‌ها از این فکر نشأت می‌گیرد که توانایی مادران و پدران در امر تعلیم و تربیت فرزندانشان در گروه‌های داناایی آنان در زمینه دانش روان‌شناسی و دانش‌های وابسته است. بخشی از دانش‌هایی که ضرورت دارد هر مادر یا پدری هر چه زودتر با آن آشنا شود، دانش مربوط به تعریف تعلیم و تربیت، هدف‌های تعلیم و تربیت، روان‌شناسی رشد و دانش مربوط به اصول فرزندپروری و شیوه برقراری رابطه با فرزند در فرایند رشد است (به‌پژوه، ۱۳۹۷؛ ۱۳۹۶).

در مکتب مقدس اسلام، انتظارها، تکالیف، حقوق و وظایف انسان‌ها دو جانبه و به طور متقابل هستند. اگر شوهر نسبت به زن حقوقی دارد، زن هم نسبت به شوهر حقوقی دارد. به همین ترتیب اگر والدین نسبت به فرزندان وظایفی دارند، فرزندان هم نسبت به والدین، وظایفی دارند. بدین منوال معلم نسبت به شاگرد و شاگرد نسبت به معلم، رهبری کنندگان نسبت به رهبری کنندگان دارای حقوق و انتظارهای متقابل هستند که هر دو جانب باید رعایت کنند.

مشکل یا مشکلات هنگامی آغاز می‌شود که انسان‌ها به این رابطه دو جانبه یا متقابل توجه نمی‌کنند و فقط یک جانب به وظایف خود عمل می‌کند، انتظارهای خود را مطرح می‌نماید و اصرار می‌ورزد. برای مثال، اکثر مواقع پدران و مادران به طور یک‌جانبه از فرزند یا فرزندان خود، انتظارهایی را مطرح و چنین اظهار می‌کنند: «ما از شما انتظار داریم این گونه رفتار کنید، ما از شما انتظار داریم این گونه باشید و مانند آن». اما کمتر می‌اندیشند که فرزند یا فرزندان آنان نیز از والدین انتظاری دارند که والدین باید مستولانه، صمیمانه و صادقانه و به موقع به آنها پاسخ دهند. در غیر این صورت، یعنی عدم توجه و پاسخگویی به انتظارهای فرزندان، مسائل و مشکلات گوناگون، ناامنی‌ها و آشفتگی‌های روانی و عاطفی به وجود می‌آورد.

بنابراین آموزش خانواده‌ها به‌ویژه در دوره پیش از دبستان به طور مضاعف احساس می‌شود. در برنامه آموزش خانواده، توجه به نیازها، انتظارات و تأکید بر آموزش مهارت‌های اساسی کودکان، توسط مادران و پدران و مربیان جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. از این رو، با قاطعیت باید گفت که نظام آموزش و پرورش، هیچ‌گاه بدون آموزش خانواده‌ها و مشارکت خانواده‌ها موفق نخواهد شد. به بیان دیگر آموزش خانواده، امری واجب است؛ زیرا خانواده‌هایی که



هدف دوم؛ رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوه فرزندان به‌طور همه‌جانبه؛ به نظر اینجانب هدف دوم تعلیم و تربیت رشد و شکوفاسازی استعدادها و توان‌های بالقوه فرزندان به‌طور همه‌جانبه است، زیرا که در تعلیم و تربیت اسلامی، هدف مهم پرورش و ساختن انسان‌های کامل و رشید است. انسان رشید کیست؟ کسی است که به رشد همه‌جانبه نائل شده و در تمام ابعاد وجودی رشد یافته است؛ رشد جسمانی، رشد شناختی، رشد عاطفی، رشد اجتماعی و رشد معنوی و اخلاقی. اکثر پدران و مادران به نیازهای جسمانی فرزندان به‌خوبی توجه می‌کنند، اما به نیازهای روانی و عاطفی توجه ندارند؛ یا این که به نیازهای معنوی بهای لازم را نمی‌دهند، مانند شرکت در مراسم مذهبی، رسیدگی به امور مستمندان و مستضعفان و شرکت در مراسم عزاداری و نظایر آن. همچنین انجام فعالیت‌های اجتماعی، ورزشی و هنری همه تعطیل هستند و به فرزند یا فرزندانمان می‌گویند «توفیق درس بخوان!» آیا این است هدف تعلیم و تربیت؟ به‌راستی خانواده‌ها و نظام آموزشی ما به کجای می‌روند؟ اگر فرزند من نتوانست درس بخواند، حق حیات ندارد؟! در این ارتباط، فرزندان، ما پدران و مادران را مورد خطاب قرار می‌دهند و به ما می‌گویند (رجوع کنید به کتاب از دواج موفق و خانواده سالم، چگونه؟):

ای پدر، ای مادر
احتیاج همه پوشاک و غذا تنها نیست،
من به امنیت خاطر چو غذا محتاجم،
من محبت ز شما می‌خواهم،
دل پاک من از عاطفه لبریز کنید.

سرانجام امروز متخصصان تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی درسی، اساس برنامه‌های درسی راه‌فمداری می‌دانند و اکنون می‌گویند برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر محصول (Product-based Curriculum). این نگاه مبتنی بر این است که بعد از بیست سال یا بعد از سی سال می‌خواهیم چه محصولی و با چه ویژگی‌هایی نائل شویم؟ اگر پدران و مادران، برنامه‌ریزان و مسئولان نظام آموزشی، هدف‌ها را مشخص کنند، بشناسند و در برنامه‌ریزی‌ها به آنها توجه و عمل کنند، خیلی از مسائل جامعه ما حل می‌شود. در حال حاضر فشارهای درسی‌ای که توسط خانه و مدرسه و جامعه به کودکان و نوجوانان و جوانان وارد می‌شود، طراوت و شادابی آنها را از بین برده است. دلیل عمده این وضعیت این است که مادران، پدران، مدیران و معلمان هدف‌ها را نمی‌شناسند و به هدف‌ها توجه ندارند. در حال حاضر، در نظام آموزشی و جامعه ما انحرافی رخ داده است. برخی از پدران و مادران تصور می‌کنند برای سعادت‌مند شدن یک‌راه وجود دارد و آن هم درس خواندن است! (یا درس یا مرگ! یا دانشگاه یا روبره‌قبیله شدن!). چه کسی گفته است تنه‌راه سعادت‌مند شدن درس خواندن است؟! درس خواندن به چه قیمتی؟! برخی از مادران و پدران حاضرند به هر تریبی و به هر قیمتی که شده، فرزندشان درس بخواند، دیپلم بگیرد و وارد دانشگاه شود؛ اما اگر فرزندشان دچار مشکل روانی بشود و یا از زندگی چیزی نفهمد، مهم نیست؛ به نظر اینجانب این انحرافی است که در جامعه ما، به‌ویژه در نظام آموزشی ما رخ داده است و همه ما مسئول هستیم این باورهای نادرست را اصلاح کنیم و به هدف‌های غایی تعلیم و تربیت بیندیشیم.

باری به هر جهت عمل می‌کنند. بدیهی است زمانی که به هدف‌های تعلیم و تربیت توجه نداریم، به سراغ روش‌های نادرست و نامناسب می‌رویم. نمی‌دانیم به کجا می‌رویم؟ چه کار می‌کنیم؟ و چگونه محصولی می‌خواهیم؟ بدیهی است تا مادامی که هدف‌های تعلیم و تربیت را به‌خوبی نشناسیم، ابزار و روش مناسب را نمی‌توانیم به کار بگیریم. مهم‌ترین هدف‌های غایی تعلیم و تربیت که هر پدر و مادری لازم است با آنها آشنا شود، عبارتند از:

هدف اول؛ انسان‌سازی و کسب ارزش‌ها و فضایل اخلاقی: نکته نخست این است که ما انسان نیستیم، بلکه انسان می‌شویم و تمام فعالیت‌ها و اقدامات باید موجب شود آدم بشویم؛ درس می‌خوانیم که آدم بشویم. این موضوعی است که در فرهنگ ما بارها به آن اشاره شده است که «ملاشدن چه آسان، آدم شدن محال است و یا دشوار است». برای مثال، اگر کسی دکترای فیزی یک بگیرد یا دکترای ریاضی بگیرد، اما آدم نشود، چه خواهید گفت؟! این که به دنبال چه محصولی هستیم، امر بسیار مهمی است؛ بدو، بدو، بنویس، بخوان، مسأله حل کن، ورزش کن، نقاشی بکش، خوش خطی بکن، که چه بشود؟! خداوند متعال در سوره حجرات، آیه ۱۳، در ارتباط با این هدف فرموده است: در حقیقت، گرمی‌ترین شمانند خداوند، پرهیزگارترین شماس است (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ). خداوند سبحان می‌توانست معیار دیگری بدهد، ولی می‌فرماید با تقواترین شمانند من گرمی‌ترین است. چرا برای پذیرش فرزند یا فرزندندانمان، معیارهای دیگری را مطرح و به آنان محبت مشروط می‌کنیم؟ آیا این است راه درست رسیدن به هدف‌های تعلیم و تربیت؟ آیا فکر می‌کنیم هر کس باسواد بود و مدرک داشت، آدم‌تر است؟! سواد از رشد‌مندان است و اعتبار دارد که در خدمت انسان بودن باشد و موجب متقی شدن انسان گردد و به فلاح و رستگاری انسان ختم شود. گفتنی است که سواد، وسیله است، نه هدف. هدف غایی تعلیم و تربیت و تمام عبادت‌ها، تقرب به خدا، انسان شدن و با تقوی شدن است.

در تاریخ برنامه‌ریزی درسی تاکنون چندین مرحله طی شده است. زمانی تکیه روی کودک بود (کودک‌مداری)، یعنی برنامه‌های درسی باید مبتنی بر کودک باشد. زمانی می‌گفتند موضوع‌مداری، یک روزی می‌گفتند معلم‌مداری و اخیراً گفته شده مدرسه‌محوری! و

منابع:

قرآن مجید

به‌پژوه، احمد (۱۳۶۰). کودکان چگونه رفتار می‌کنند؟ همان‌گونه که با آنها رفتار می‌شود (پوستر آموزشی). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان به‌پژوه، احمد (۱۳۹۶). اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان (با تجدیدنظر و اضافات) (چاپ یازدهم). تهران: نشر دانژه.
به‌پژوه، احمد (۱۳۹۷). خانواده و کودکان با نیازهای ویژه (چاپ سوم). تهران: انتشارات آوای نور.
به‌پژوه، احمد (۱۳۹۴). از دواج موفق و خانواده سالم، چگونه؟ (چاپ چهارم). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.